**جزوه سرفصل اشکالات مهم توافق وین و تبعات آن برای کشور**

**40 اشکال توافق وین در حوزه تحریم‌ها/ غنی‌سازی و تحقیق و توسعه/ قطعنامه 2231**

پس از انتشار متن برجام و متن قطعنامه 2231 شورای امنیت سازمان ملل، کارشناسان و صاحب نظران به بررسی این اسناد مهم پرداخته و انتقادات جدی خود به مفاد بخش های مختلف آن را بیان نمودند. اکنون با گذشت حدود دو ماه از توافق وین، لازم است اشکالات اصلی موجود در هر یک از حوزه های مهم مورد توافق، جمع بندی و ارائه گردد. در این راستا، سرفصل اشکالات اصلی موجود در توافق وین به تفکیک موضوع و به صورت مختصر و نکته وار، طی گزارشی منتشر می گردد. در این گزارش که توسط اندیشکده صدق آماده گردیده است، تمرکز بر ارائه‌ی اصل اشکالات مهم موجود در هر حوزه و تبعات عملی مهم هر یک از این اشکالات برای کشور بوده، و تنها در موارد ضروری و مغفول، به بیان توضیحات مرتبط یا استنادات مطالب پرداخته شده است.

گفتنی است در تهیه این گزارش ها، نکات بیان شده توسط منتقدین و برخی نکات مغفولی که تا کنون بیان نشده بودند (و در گزارش کمیسیون برجام مجلس شورای اسلامی نیز مورد توجه قرار نگرفته)، و نیز پاسخ های تیم مذاکره کننده به برخی انتقادات، مورد توجه قرار گرفته، و تلاش شده است که ضمن حفظ دقت، نهایت اختصار در بیان هر مشکل رعایت گردد.

در این سند، به اشکالات موجود در توافق وین، در 4 حوزه‌ی قطعنامه 2231 (اشکالات خاص این قطعنامه)، غنی‌سازی، تحقیق و توسعه، و تحریم‌ها پرداخته شده، و سرفصل اشکالات اصلی هر یک از این حوزه‌ها (مجموعاً 40 سرفصل) برای استفاده‌ی مسئولین و نخبگان کشور آماده گردیده است.

# بخش 1- اشکالات خاص مرتبط با قطعنامه 2231

1. معلوم نبودن زمان پایان قطعنامه و امکان فرا نرسیدن آن روز
	* در بند ۸ اجرایی قطعنامه 2231 آمده است که شورای امنیت 10 سال بعد از توافق، رسیدگی به پرونده هسته‌ای ایران را «جمع‌بندی» می‌کند (concluded)، نه اینکه (آن طور که در ترجمه فارسی به اشتباه آمده است) «پایان می‌دهد» (closed).
	* گفتنی است یکی از اختلافات اساسی در مذاکرات ایران و 1+5 در سالهای گذشته همین اختلاف بر سر کلمه‌ی «بسته شدن» پرونده ایران یا «جمع‌بندی» شدن آن بوده است. اکنون این مسئله به نفع طرف غربی فیصله یافته، و بر همین اساس (و با توجه به اینکه توافق راه بسته نشدن پرونده ایران بعد از 10 سال را باز گذاشته است)، وندی شرمن بعد از توافق اعلام کرد که: «5 عضو دائم شورای امنیت تصمیمی سیاسی گرفتند و به دبیرکل سازمان ملل هم اعلام کردند که پس از 10 سال، درخواست تمدید 5 ساله این مکانیسم را مطرح خواهند کرد»[1](file:///C%3A%5CUsers%5CMTY%5CDownloads%5C%DA%AF%D8%B2%D8%A7%D8%B1%D8%B4%20%D8%B1%D8%A7%D9%87-%D8%A8%D8%B1%D8%AF%DB%8C%20%D8%B3%D8%B1%D9%81%D8%B5%D9%84%20%D8%A7%D8%B4%DA%A9%D8%A7%D9%84%D8%A7%D8%AA%20%D9%85%D9%87%D9%85%20%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%81%D9%82%20%D9%88%DB%8C%D9%86%20-%20%D8%A8%D8%AE%D8%B4%20%D8%A7%D9%88%D9%84.docx#footnote-1251-1).
	* این امر به خارج نشدن پرونده ایران از شورای امنیت (حتی بعد از 10 سال) و فرا نرسیدن روز لغو در برجام و لغو نشدن تحریم‌های اروپا منجر خواهد شد.
2. مکانیزم حل اختلاف موجود و بازگشت خودکار (snap back) قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت (بدون امکان وتو توسط روسیه و چین) در صورت ادعا و راضی نشدن هر یک از طرفین
	* تبعات مهم این موضوع، امکان برگشت تحریم‌ها در هر زمان و در نتیجه عدم امنیت سرمایه‌گذاری و پابرجا ماندن فشار تحریم‌هاست (این بند در واقع لغو تحریم‌های شورای امنیت را به تعلیق آنها تبدیل می‌کند).
3. تسهیل رفتن پرونده ایران ذیل ماده 42 فصل 7 منشور ملل متحد (اجازه حمله نظامی)
	* در حال حاضر نقض قطعنامه 2231 امکان انتقال پرونده ایران به ماده 42 را فراهم می‌آورد با دو تفاوت نسبت به قبل توافق:
		+ متن این قطعنامه را خود ایران مورد مذاکره و توافق قرار داده و نقض آن مشروعیت بسیار کمتری دارد.
		+ پیش از این چین و روسیه مانع چنین کاری (تصویب قطعنامه ذیل ماده 42) می‌شدند که با توجه به شرایط جدید و عدم پذیرش درخواست حفظ وتوی آنها در مکانیسم حل اختلاف توافق توسط ایران، دیگر چنین انتظاری را از آنها نمی‌توان داشت.
4. ممنوعیت هرگونه فعالیت مرتبط با موشک‌های بالستیک با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای
	* طبق گزارشات قبلی شورای امنیت (S/2013/331 و S/2012/395) موشک‌های شهاب 1و 3، سجیل و عاشورا با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای شناخته می‌شوند.
	* طبق رژیم کنترل تکنولوژی موشکی (MTCR) هر موشک با برد بیش از 300 کیلومتر و کلاهک بیش از 500 کیلوگرم وزن، با قابلیت حمل کلاهک هسته‌ای محسوب می‌شود.
5. الزام انجام کامل اقدامات مورد درخواست آژانس بین المللی انرژی اتمی توسط ایران در زمینه تمام مسائل مهم موجود در گزارشات فعلی و آینده آژانس (در تمام مدت اجرای برجام) (بند 3 قطعنامه 2231).
	* این بدان معناست که ایران پیشاپیش تعهد داده است که مفاد درخواست‌های آژانس در کلیه‌ی گزارش‌های نامعلوم آینده‌ی آژانس را نیز انجام دهد و سرپیچی از این امر، به منزله‌ی نقض قطعنامه توسط ایران محسوب می‌گردد.
	* در این زمینه دیوید آلبرایت (رئیس اندیشکده علوم و امنیت بین الملل آمریکا و مشاور تیم مذاکره کننده این کشور) در کنگره گفته بود حتی اگر مسئله PMD قبل از روز اجرا بسته شود، آژانس در گزارشات آینده می‌تواند دوباره آن را باز کند.
6. اجازه بازرسی کشتی‌ها و هواپیماها به مبدأ یا مقصد ایران توسط همه کشورها (بند 7 ضمیمه B قطعنامه).
7. محدودیت صادرات و واردات تسلیحات (حتی تسلیحات متعارف)، که بر اساس آن ارسال هرگونه اسلحه از ایران به کشوری دیگر (از جمله گروه‌های مقاومت در منطقه)، به منزله‌ی نقض قطعنامه‌ توسط ایران خواهد بود.
8. محدودیت مرتبط با موارد (اقلام، مواد، تجهیزات، کالاها و فناوری‌ها) با کاربرد دوگانه (بند 22 قطعنامه که محدودیت‌های تفصیلی آن در بخش 6 ضمیمه 4 برجام آمده است).
	* ایران برای خرید، انتقال، استفاده، دریافت کمک فنی یا آموزش، جذب سرمایه، و دریافت خدمات مرتبط با موارد با کاربرد دوگانه (که شامل موارد بسیاری می‌شود که آن موارد کاربرد وسیعی در صنایع مختلف کشور دارند)، ملزم به اخذ مجوز از کارگروه خرید کمیسیون مشترک و پذیرش محدودیت‌های مربوطه خواهد بود. اخذ مجوز هم تنها با اجماع کلیه‌ی اعضاء امکان‌پذیر است.
	* گفتنی است لیست اقلام دوگانه از طرف شورای امنیت قابل به روز رسانی و افزودن موارد جدید به آن است، و هر کشور طرف معامله با ایران نیز می‌تواند اقلام جدیدی را به لیست اقلام ممنوعه (با کاربرد دوگانه) خودش اضافه کند.
	* برخی مشکلات ناشی از این بخش توافق عبارتند از:
		+ با مشکل مواجه شدن صنایع مختلف و تحقیق و توسعه (به خصوص صنایع Hi Tech) با توجه به وسعت دامنه‌ی اقلام و تجهیزات ذکر شده در لیست‌ موارد با کاربری دوگانه
		+ باز شدن باب امتیازگیری کشورهای 1+5 از ایران، با توجه به این‌که ایران برای واردات و استفاده از این اقلام مورد نیاز صنایع خود، محتاج اجازه گرفتن از تک‌تک آن کشورها شده است.
		+ لو رفتن اطلاعات مربوط به زنجیره تأمین و نیازها و توانایی‌ها و فعالیت‌های کشور در حوزه‌های صنعتی مختلف، با توجه به اینکه ایران (مطابق بند 6.4.2 ضمیمه 4 برجام) ملزم به ارائه اطلاعات کامل مرتبط به اقلام و تجهیزات مربوطه (شامل نام، آدرس، شماره تلفن و ایمیل صادرکننده و واردکننده، اعلام نوع و محل استفاده، جزئیات حمل و نقل و...) به کمیسیون مشترک گردیده است.
		+ بروکراسی مربوط به ارائه و بررسی و تأیید این حجم انبوه از اطلاعات. گفتنی است (مطابق بند 6.4.4 و 6.4.5 ضمیمه 4 برجام) کارگروه خرید و کمیسیون مشترک تا 45 روز می‌توانند تأیید یا رد درخواست ایران را معطل نمایند.
		+ اجازه بازرسی آژانس از همه مکان‌ها در کشور که در آن از اقلام با کاربرد دوگانه (مندرج در INFCIRC/254/rev.12/Part1) استفاده شده است (مطابق بند 6.7 ضمیمه 4 برجام). این امر پای بازرسان آژانس (و جاسوسان غربی) را به مراکز غیرهسته‌ای ایران نیز باز می‌کند.
		+ اجازه یافتن کشور فروشنده‌ی کالا، تجهیزات، مواد، فناوری با کاربردی دوگانه به ایران (مندرج در INFCIRC/254/rev.9/Part2) و نیز کارشناسان کمیسیون مشترک، برای راستی‌آزمایی استفاده نهایی آن اقلام در ایران (بند 6.۸ ضمیمه 4 برجام).
	* گفتنی است پیش از این نیز استفاده از موارد با کاربری دوگانه برای ایران ممنوع اعلام شده بود، اما ایران با عدم پذیرش این ممنوعیت، از راه‌های مختلف این موارد را تأمین و نیازهای خود را رفع می‌نمود. اما اکنون با به رسمیت شناخته شدن این محدودیت و پذیرش لزوم اجازه گرفتن از کمیسیون مشترک درباره‌ی تأمین این موارد مورد نیاز خود، ضمن ایجاد اشراف اطلاعاتی و قدرت نظارتی برای طرف غربی (و دیگر مشکلات مذکور)، از این پس نپذیرفتن ممنوعیت اعمالی طرف غربی درباره‌ی هر یک از این موارد، به معنای نقض توافق (و نه فقط نقض قطعنامه) توسط ایران خواهد بود.
9. توافق بر صدور قطعنامه 2231 (که برجام بخشی از آن است)، قبل از اینکه برجام مراحل تصویب و پذیرش را در داخل کشور طی کند.
10. موکول شدن اجرای لغو قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت به روز اجرا، علیرغم صدور قطعنامه جدید در روز 29 تیر 94
	* بدین ترتیب علیرغم صدور قطعنامه‌ی جدید، لغو قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت و ایجاد کوچکترین تغییر در تحریم‌های مربوط به آن‌ها،‌ منوط به انجام کامل تعهدات ایران و تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شده است (بند 14 و 1۸ ضمیمه 5 برجام).
	* همان طور که در بندهای قبل ذکر شد، قطعنامه 2231 شامل بسیاری از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مندرج در قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران است، و بدین ترتیب در واقع قطعنامه‌های قبلی لغو نشده‌اند و بخش زیادی از تحریم‌های آن‌ها در قطعنامه جدید تجمیع شده‌اند؛ اما همین کار نیز از روز صدور قطعنامه (یعنی 29 تیر) صورت نمی‌گیرد (بند 1۸ متن اصلی برجام).

# بخش 2 - اشکالات برجام در حوزه‌ی غنی‌سازی

1. صفر شدن ظرفیت غنی‌سازی ایران (حداقل از سال دهم اجرای برجام). با توجه به لزوم از رده خارج کردن سانتریفیوژهای IR-1 تا سال دهم اجرای برجام، و عدم امکان استفاده از دیگر سانتریفیوژها در این زمان. در ادامه وضعیت سانتریفیوژهای کشور مطابق برجام به تفکیک ذکر شده است:
	* وضعیت 5060 سانتریفیوژ IR-1 فعال در نطنز:
		+ این‌ها را فقط حداکثر 10 سال داریم. بعد از آن مجوز استفاده از این 5060 سانتریفیوژ IR-1 و به طور کلی سانتریفیوژ IR-1 را نداریم و باید آنها را از رده خارج (phase out) کنیم (بند 2 متن اصلی برجام).
	* وضعیت حدود 14000سانتریفیوژ IR-1 که انبار می‌شود (برای استفاده جهت جایگزینی با سانتریفیوژهای در حال استفاده):
		+ بخشی از این سانتریفیوژها حین جمع‌آوری نابود می‌شوند.
		+ بخش باقیمانده از سانتریفیوژهای موجود در انبار، با توجه به نرخ خرابی سانتریفیوژهای فعال‌مان (5060 دستگاه) طی حداکثر ده سال تمام می‌شود (به جز حداکثر 500 دستگاه -آن هم در صورتی که بتوانیم و بخواهیم از امکان تولیدمان استفاده کنیم-).
			- طبق برجام، در طی 10 سال اگر موجودی انبار به زیر 500 دستگاه برسد، می‌توانیم نهایتاً تا رسیدن کل موجودی به سقف 500 دستگاه تولید نماییم. البته با توجه به از بین رفتن زنجیره تأمین سانتریفیوژ و مشغول شدن پیمانکارها و کارگاه‌ها به کارهای دیگر و به صرفه نبودن تولید در حجم اندک و اینکه در انتهای 10 سال باید کلاً IR-1 را کنار بگذاریم، این تولید اندک هم در هاله‌ای از ابهام است.
	* وضعیت دیگر سانتریفیوژهای موجود (صنعتی شده) ایران (حدود 1000 دستگاه سانتریفیوژ IR-2m)
		+ این سانتریفیوژها به مدت 10 سال انبار می‌شوند (بند 29 ضمیمه 1 برجام).
		+ طبق متن برجام، بعد از 10 سال (تا 15 سال) هم حق نصب و استفاده از آنها را نداریم (بند 31 ضمیمه 1 برجام).
	* وضعیت سانتریفیوژهای دیگر
		+ طبق متن برجام، بعد 10 سال (تا 15 سال) حق نصب و استفاده از آنها را نداریم (بند 31 ضمیمه 1 برجام) (گذشته از این، ما اساساَ سانتریفیوژهای صنعتی شده به غیر از سانتریفیوژهای IR-1 و IR-2m نداریم).
			- همچنین آقای عراقچی در جلسه چهارم کمیسیون سیاست خارجی اعلام کرد که ساخت زیرساخت‌های IR-6 و IR-8 (که از سال دهم آن را آغاز می‌کنیم)، چند سال طول می‌کشد و تکمیل تحقیق و توسعه این ماشین‌ها بعد از نصب هم مدتی دیگر طول می‌کشد ([+](http://1-20.ir/14078/%D8%B9%D8%B1%D8%A7%D9%82%DA%86%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%B2-%D8%AA%D8%B5%D9%88%DB%8C%D8%A8-%D8%AA%D9%88%D8%A7%D9%81%D9%82%D8%8C-%D8%A2%D9%86%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D9%82%D8%A7%D9%86%D9%88/)).
		+ 1044 سانتریفیوژ IR-1 موجود در فردو نیز طبق برجام تا 15 سال غنی سازی نخواهند کرد.
2. نداشتن برنامه صنعتی غنی سازی از روز اجرا و از بین رفتن زنجیره‌های دیگر (غیر غنی‌سازی) مرتبط با صنعت هسته‌ای
	* در واقع با پذیرش داشتن تنها 5060 سانتریفیوژ IR-1[[1]](#footnote-1)، ذخیره 300 کیلوگرمی و محدودیت غنی‌سازی تا 3.67 و ... از روز اجرای توافق، تنها یک دکور از صنعت هسته‌ای باقی می‌ماند که این امر اثرات مخرب مهمی در دیگر زنجیره‌های مرتبط با صنعت هسته‌ای خواهد داشت:
		+ توقف فعالیت‌های ساخت و سازی مرتبط با غنی سازی، رآکتور اراک، تولید آب‌سنگین اراک، تولید میله سوخت و ... و به تبع آن تعطیلی و تغییر کاربری کارگاه‌های قطعه‌سازی و تأمین‌کننده و... مربوطه، بیکار شدن و تغییر شغل کارشناسان و متخصصین صنعتی مربوطه (که طی سالیان اخیر به تجارب ارزشمندی رسیده بودند)، دلسردی در دانشگاهیان مرتبط با این حوزه، و...
3. ارجاع مهمترین مباحث برنامه هسته‌ای کشور (غنی سازی و تحقیق و توسعه) در برجام (بند 63 ضمیمه 1 برجام) به «برنامه بلند مدت غنی‌سازی و تحقیق و توسعه غنی‌سازی ایران» که مفاد آن نامعلوم است. و سکوت برجام پیرامون موارد مهم (که برخی از آنها به سند فوق‌الذکر ارجاع داده شده‌اند و در برخی موارد هم کلاً سکوت شده؛ که این سکوت به معنای باز بودن دست ایران برای انجام فعالیت دلخواه خود در آن موارد نیست).
4. نرسیدن به حداقل نیاز کشور در زمینه توان غنی‌سازی (یعنی معادل سالانه 190 هزار سو برای تولید سوخت مورد نیاز نیروگاه بوشهر) تا سالیان سال بعد از دوره محدودیت (و به طریق اولی، نرسیدن به توان تأمین سوخت لازم برای تولید 20 هزار مگاوات برق هسته‌ای مصوب مجلس).
5. بی‌فایده شدن کامل غنی‌سازی به مدت حداقل 15 سال با توجه به محدودیت موجودی (ذخیره) اورانیوم غنی شده که تنها 300 کیلوگرم می‌باشد؛ و اینکه ایران به انجام یکی از این دو کار با اورانیوم غنی شده (فراتر از 300 کیلوگرم) خود ملزم گردیده است: رقیق سازی یا فروش به خارج از کشور (بند 57 ضمیمه 1 برجام).
	* گفتنی است رقیق‌سازی محصول فرآیند غنی‌سازی به معنی بی‌فایده شدن روشن فرآیند غنی‌سازی و اتلاف انرژی و منابع است، و فروش این مقدار اندک (بر اساس قیمت‌های فعلی بازار جهانی غنی‌سازی اورانیوم) سالانه تنها معادل حدود 170 میلیون تومان برای کشور درآمد ایجاد می‌کند که قابل مقایسه با هزینه تولید آن نیست.
	* همچنین با توجه به اشباع بودن بازار جهانی اورانیوم، در صورت امتناع طرف‌های خارجی از خرید، تنها راه، رقیق‌سازی اورانیوم غنی شده خواهد بود.
6. منحصر شدن مکان غنی‌سازی و حتی تحقیق و توسعه غنی‌سازی و انبار همه سانتریفیو‌ژهای جمع‌آوری شده به سایت نظنز (عدم استفاده از فردو و عدم اجازه ساخت یا استفاده از سایت جدید) حداقل تا 15 سال.
	* گفتنی است یکی از مضرات این موضوع، آسیب پذیری بیشتر و افزایش تهدیدات امنیتی مربوطه می‌باشد.
7. عدم پذیرش و دریافت تضمین عینی در متن برجام برای برخورداری ایران از حقوق مصرح خود در NPT از جمله حق غنی‌سازی و تحقیق و توسعه غنی‌سازی، حتی بعد از دوره‌ی محدودیت‌های برجام.
8. پذیرش استثنا شدن ایران در بین همه کشورها در زمینه حقوق هسته‌ای خود؛ ایران دیگر الی‌الابد نمی‌تواند به عنوان یک عضو عادی NPT از حقوق مساوی دیگر اعضا بهره‌مند باشد. به عنوان مثال: حق بازفرآوری و تحقیق و توسعه آن، لزوم انتقال تمامی سوخت مصرف شده برای همه نیروگاه‌های تولید برق و تحقیقاتی به خارج، حق ایجاد تأسیسات جداسازی پلوتونیوم، نپتونیوم، اورانیوم از سوخت‌های مصرف شده (بند 17 و 1۸ و 19 و 20 ضمیمه یک برجام).

# بخش 3 - اشکالات برجام در حوزه‌ی تحقیق و توسعه

1. توقف تحقیق و توسعه به مدت حداقل 15 سال، در برخی حوزه‌ها از جمله:
	* روش‌های مختلف غنی‌سازی به جز سانتریفیوژ گازی (مانند غنی‌سازی لیزری که در این زمینه پیشرفت خوبی در کشور حاصل شده بود) (بند ۸1 ضمیمه 1 برجام).
	* حوزه‌ی پلوتونیوم (هر گونه فعالیت برای تولید، ذخیره، و ...) که برای راکتورهای تولید برق نسل‌های آینده مورد استفاده است (بند 20 و 25 ضمیمه 1 برجام).
	* حوزه‌ی بازفرآوری، که با توجه به محدود بودن منابع اورانیوم و ارزشمند بودن مواد جدا شده، ارزش زیادی تولید می‌کند (محدودیت این مورد مادام العمر است) (بند 1۸ ضمیمه 1 برجام).
	* متالورژی، قالب‌گیری، فرم‌دهی، ماشین‌کاری پلوتونیم و اورانیوم و آلیاژهاشان، که در صنعت فضایی و موشکی و ماهواره نیز کاربرد دارد (بند 24 ضمیمه 1 برجام).
2. توقف و محدودیت تحقیق و توسعه روی ماشین‌های سانتریفیوژ
	* ماشین‌های IR-2m و IR-4 (که سانتریفیوژهای در آستانه تولید انبوه هستند):
		+ زنجیره تحقیق و توسعه 164 تایی‌شان جمع می‌شود (بند 32 و 34 ضمیمه 1 برجام).
		+ بر روی تنها 2 عدد جداگانه IR-2m آن هم فقط آزمایش مکانیکی می‌توانیم انجام دهیم (بند 32 ضمیمه 1 برجام).
		+ روی حداکثر 10 عدد IR-4 می‌توانیم آزمایش همراه با تزریق گاز انجام دهیم (بند 32 ضمیمه 1 برجام).
	* ماشین‌های IR-6 و IR-8 (که طبق اعلام مسئولان دولتی، ماشین‌های اصلی هستند که بعد از دوره محدودیت قرار است مورد استفاده قرار دهیم):
		+ تا ۸.5 سال فقط زنجیره زیر 30 تایی‌شان را می‌توانیم مورد تحقیق قرار دهیم و تحقیقات روی آنها تا ۸.5 سال در همین حد متوقف خواهد ماند (بند 37 و 3۸ ضمیمه 1 برجام).
		+ علاوه بر آن متن برجام درباره‌ی اجازه تحقیق و توسعه بر روی زنجیره بیش از 30 تایی سانتریفیوژهای IR-6 و IR-8 بعد از ۸.5 سال نیز سکوت کرده است.
	* ماشین‌های سانتریفیوژ دیگر (پیشرفته‌تر از IR-8 یا سانتریفیوژهای با کاربرد غیر هسته‌ای)
		+ ساخت یک نمونه آزمایشی از آنها منوط به ارائه کامل به کمیسیون مشترک و کسب اجازه از آن خواهد بود.
		+ گفتنی است پذیرش محدودیت بر روی انواع سانتریفیوژهای دیگر (به جز موارد ذکر شده در بندهای قبلی)، راه ایجاد محدودیت در صنایع پیشرفته دیگر کشور (مانند میکرو توربین‌های صنعت برق) را نیز باز می‌کند (بند 43 ضمیمه 1 برجام).

# بخش 4 - اشکالات برجام در حوزه‌ی تحریم‌ها[[2]](#footnote-2)

1. اجرای هرگونه تخفیف تحریمی (اعم از تعلیق تحریم‌های آمریکا و اروپا و اجرای لغو قطعنامه‌های سابق شورای امنیت) از «روز اجرا» آغاز خواهد شد، که «روز اجرا» زمان مشخصی ندارد و منوط به اجرای تعهدات کمی و کیفی ایران (تعهدات برجام و تعهدات نقشه راه) و تأیید اجرای کامل تعهدات ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. (بند 10 و 14 و 16 و 17 و 1۸ ضمیمه 5 برجام)[[3]](#footnote-3)
	* با توجه به سابقه‌ی بد آژانس و باز بودن باب بهانه‌جویی (مخصوصاً به علت وجود تعهدات کیفی) و عدم رضایت آژانس پیرامون اجرای کامل تعهدات ایران در برجام و در نقشه راه، و منوط شدن فرا رسیدن روز اجرا به گزارش آژانس در این زمینه، این روز می‌تواند هیچ وقت فرا نرسد.
2. تحریم‌های شورای امنیت، فقط تعلیق می‌شوند.
	* تحریم‌های شورای امنیت در واقع تعلیق شده‌اند، نه لغو؛ یعنی با توجه به مکانیسم حل اختلاف مورد توافق در برجام، هیچ مانع حقوقی برای برگشت خودکار و کامل تحریم‌های قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت وجود ندارد و هر موقع که هر یک از کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه، چین و روسیه اراده کنند، می‌تواند صرفاً با ادعای این‌که ایران به تعهدات خود عمل نکرده است، آنها را به طور کامل برگردانند، و امکان وتوی این تصمیم (برگرداندن قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت علیه ایران) توسط اعضای دائمی دیگر شورای امنیت (مثلاً روسیه) نیز توسط برجام سلب شده است (بند 37 متن برجام و بند 12 قطعنامه 2231).
3. ممانعت از ادامه‌ی اجرای قراردادهای منعقد شده در زمان تعلیق تحریم‌ها، در صورت برگشت تحریم‌ها
	* بازگشت قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت از طریق مکانیزم ماشه، علاوه بر اعمال مجدد تحریم‌ها، مانع اجرای قراردادهایی می‌شود که در زمان تعلیق تحریم‌ها منعقد شده باشند و ادامه‌ی اجرای آن قراردادها را مشمول تحریم می‌سازد (بند 37 متن برجام و بند 14 و 15 قطعنامه 2231). این مسئله موجب می‌شود که شرکت‌های بین‌المللی از هرگونه سرمایه‌گذاری واقعی در ایران و انتقال تکنولوژی به داخل کشور خودداری کنند. همچنین وجود این محدودیت مهم در توافق، این خطر را به وجود می‌آورد که شرکت‌های خارجی با توجه به ریسکی که در مورد دریافت هزینه محصولات یا خدمات ارائه شده به ایران وجود دارد، حتی از عقد قرارداد در زمان تعلیق تحریم‌ها نیز خودداری کنند.
	* گفتنی است که تجربه توافق ژنو نیز کاملاً موید این موضوع است. پس از اعلام انعقاد توافق ژنو، وزارت خزانه‌داری آمریکا، در دستورالعملی که برای اجرای توافق منتشر نمود، اعلام کرد که تعلیق تحریم‌ها فقط شامل معاملاتی می‌شود که در همین مدت اجرای توافق (بازه‌ی 6 ماهه، که بعدها 4ماه و 7 ماه تمدید گردید) شروع شود، به طور کامل اجرا شود و خاتمه یابد. وجود همین محدودیت، یکی از دلایلی بود که مانع منتفع شدن کشور از تعلیق تحریم‌ها گردید؛ برای مثال، شرکت‌های بین‌المللی بیمه به همین دلیل از ارائه خدمات به کشتی‌های ایرانی خودداری کردند و شرکت‌های خودروساز خارجی نیز حاضر به عقد قرارداد جدیدی نشدند. حتی می‌توان گفت که اکنون وضع پیچیده‌تر از توافق ژنو است، چراکه دیگر حتی تضمینی برای تعلیق چند ماهه تحریم‌ها وجود ندارد و هر لحظه امکان بازگشت تحریم‌ها وجود دارد.
4. از دو قانون تحریمی اروپا، فقط یکی از آنها در برجام مورد بحث قرار گرفته، که آن هم در روز اجرا فقط تعلیق می‌شود، آن هم نه همه مواردش.
	* از دو قانون تحریمی اروپا، یکی‌شان دست نخورده (بدون حتی تعلیق یک بند آن) باقی خواهد ماند.
		+ گفتنی است اروپا دو قانون تحریم راجع به ایران دارد: یکی مقررات شورا به شماره 267/2012 (مبتنی بر تصمیم شورا به شماره 2010/413/CFSP) پیرامون مسائل هسته‌ای و یکی مقررات شورا به شماره 359/2011 (مبتنی بر تصمیم شورا به شماره 2011/235/CFSP) پیرامون مسائل حقوق بشر، که این قانون تحریمی به طور کامل باقی خواهد ماند.
		+ تحریم های اروپا ناشی از «تصمیمات شورا» (Council Decision) و «مقررات شورا» (Council Regulation) هستند که تصمیمات شورا زیربنای مقررات شورا اند. لغو مقررات شورا بدون تصمیمات شورا به معنای تعلیق تحریم‌هاست. مطابق برجام مقررات شورا به شماره 267/2012 در روز اجرا لغو خواهد شد (به جز برخی بندهای آن)، اما هیچ‌یک از بندهای تصمیم شورای متناظر آن (یعنی تصمیم شماره 2010/413/CFSP) در روز اجرا ( وتا ۸ سال بعد از آن) لغو نخواهد شد. در واقع هیچ از یک قوانین تحریمی اروپا در روز اجرا لغو نخواهند شد و تنها بخشی از آنها در روز اجرا تنها تعلیق خواهند شد (بند 1 ضمیمه 2 برجام و بند 16 ضمیمه 5 برجام).
5. برخی تحریم‌های مندرج در مقررات شورا به شماره 267/2012 نیز در روز اجرا تعلیق نخواهند شد، و تعهد اتحادیه اروپا برای تعلیق آنها به روز انتقال (۸ سال بعد از روز توافق) موکول شده است. این موارد عبارتند از:‌ تحریم‌های فلزات (که در صنایع مختلف کاربرد دارند)، تحریم‌های نرم‌افزار (مثلاً نرم‌افزارهای مورد استفاده در پروژه‌های بزرگ نفت و گاز و حوزه‌های مختلف صنعتی)، تحریم‌های مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای (کالاها و فناوری‌های و سرمایه‌گذاری و آموزش‌های تخصصی)، تحریم‌های تسلیحات و تحریم سوئیفت (به عنوان بخشی از زنجیره تحریم بانکی) (بند 20 ضمیمه 5 برجام).
	* گفتنی است تحریم خدمات مرتبط با این موارد نیز در روز اجرا تعلیق نخواهند شد. باقی ماندن تحریم خدمات مرتبط (با توجه به تجارب قبلی، از جمله توافق ژنو) منجر می‌شود که در تحریم‌های مالی و کشتیرانی و... باقی حوزه‌ها نیز فضای روانی تحریم‌ها و ترس از جریمه بابت نقض آنها پا برجا بماند.
6. هیچ یک از افراد، نهادها و شرکت‌های مورد تحریم، در روز اجرا از لیست تحریم‌های اروپا خارج نمی‌شوند. بخشی از آنها در روز اجرا تحریم‌شان تعلیق می‌شود و بعد از ۸ سال لغو می‌شود. بخشی از آنها نیز در روز انتقال (۸سال بعد از روز توافق) تحریم‌شان تعلیق و در روز لغو قطعنامه (حداقل 10 سال بعد از روز توافق) تحریم‌شان لغو می‌شود (بند 16 و 20 ضمیمه 5).
7. با توجه به اینکه همه تحریم‌های اروپا در تحریم‌های ثانویه آمریکا نیز موجود هستند، تعلیق تحریم‌های اروپا (حتی در همین حد موجود در برجام) در صحنه عمل تغییری در ساختار تحریم‌های کشور و اثرات آن ایجاد نخواهد کرد.
8. از دستورات اجرایی رئیس جمهور آمریکا (حدود 30 دستور اجرایی که 10 دستور آن فعال است) در متن توافق فقط به لغو 4 دستور اجرایی (که 3 دستور از آن‎ها فعال است) و بخش‌هایی از یک دستور اجرایی دیگر اشاره شده و در باقی دستورات اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا هیچ لغو و تعلیق و تغییری در کار نیست (حتی پس از روز لغو قطعنامه).
	* به عنوان نمونه، دستور اجرایی 13599 (5 فوریه 2012)، به صورت کامل باقی می‌ماند، و تحریم‌های مندرج در آن، بر اساس برجام، نه الان، نه ده سال بعد و نه هیچ وقت دیگر، تعلیق هم نخواهند شد. طبق این دستور، مؤسسات مالی و اشخاص آمریکا باید هرگونه دارایی‌های ایران (دولت ایران، بانک مرکزی ایران، همه نهادهای مالی ایران و منافع حاصل از آن) را مصادره و مسدود کنند. از نکات قابل تامل این دستور این است که طبق آن، هر نهاد و شخصی بدون داشتن اتهام مشخص، صرفا به دلیل ایرانی بودن شامل تحریم قرار می‌گیرد.
	* به عنوان نمونه‌ای دیگر، دستور اجرایی 13382 که به اتهام اشاعه‌ی تسلیحات کشتار جمعی (از جمله هسته‌ای) و به صورت ثانویه تصویب شده است و تعداد زیادی از نهادها و شرکت‌های ایرانی، در طی زمان، طبق این دستور اجرایی تحریم شده‌اند، به طور کامل باقی مانده‌است و مطابق برجام هیچ گاه قرار نیست حتی تعلیق گردد. تعدادی از بانک‌ها، شرکت‌ها و نهادهایی که به واسطه‌ی این دستور مورد تحریم قرار گرفته‌اند، عبارتند از: شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی، بیمه معلم، بانک انصار، بانک مهر، بانک سپه، تایدواتر (شرکت بهره‌بردار بندرعباس)، ایران ایر، سازمان صنایع هوا و فضا، سپاه پاسداران، بنیاد تعاون سپاه، قرارگاه خاتم‌الانبیا، وزارت دفاع، شرکت نفت و گاز پارس، شرکت توسعه صنایع انرژی پایونیر، گروه‌های صنعتی شهید باقری، شهید همت، فجر، شرکت کالاالکتریک، شرکت کاوشیار و...
	* درباره‌ی آن 5 دستور اجرایی ذکر شده در برجام نیز گفتنی است لغو تحریم این دستورات اجرایی، مستقلاً (و بدون قوانین کنگره‌ی متناظر آنها) تأثیری در تحریم‌های ایران نمی‌گذارند. از میان دستورات اجرایی لغو شده در برجام، دستور 13590 پیش از این به طورکامل در قانون تحریم TRAی کنگره آمریکا تجمیع شده بود و در عمل غیرفعال محسوب می‌شود. دستور اجرایی 13574 و بخش عمده‎ی دستور اجرایی 13645 نیز به ترتیب ابلاغیه اجرای قوانین ISA (اصلاح شده) و IFCA ی کنگره‌ی آمریکا هستند، دستور اجرایی 1362۸ که بندهای 7-5 و 15 آن لغو شده نیز ابلاغیه‌ی قانون TRAی کنگره آمریکاست (بند 17.4 ضمیمه 5).
9. قوانین تحریمی کنگره آمریکا (بخش مورد بحث در برجام) تنها اجراشان متوقف می‌شود. یعنی نه تنها لغو نمی‌شوند، حتی قوانین‌شان تعلیق هم نمی‌شود (بند 17 ضمیمه 5 برجام). این توقف اجرا (cease application) و نه تعلیق (suspend) به این معناست که هر 4 ماه (یا 6 ماه) رئیس جمهور آمریکا باید دستور توقف اجرای این تحریم‌ها را (با ذکر دلایل مجاب کنند‌ه‌ی خود برای کنگره) تمدید کند. این موضوع در تداوم توقف اجرای تحریم‌های آمریکا در آینده تزلزل جدی ایجاد می‌کند.
10. هیچ یک از قوانین تحریمی کنگره آمریکا (یعنی تحریم‌های اصلی ایران) نه تنها در طول دوره اجرای برجام لغو نمی‌شوند، بلکه هیچ چشم اندازی هم برای لغو آنها وجود ندارد و به طور کلی در برجام هیچ تعهدی در زمینه لغو حتی یک تحریم کنگره آمریکا وجود ندارد و تنها در روز انتقال (۸ سال بعد از روز توافق) سخن از «تلاش» دولت آمریکا برای خاتمه یا اصلاح این قوانین آمده است، که این عبارت «تلاش نمودن» هیچ تعهد حقوقی‌ای را متوجه آمریکا نمی‌کند (بند 21 ضمیمه 5 برجام).
11. در بند 6 ضمیمه 2 قید شده است که فهرست جامع و کامل تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای آمریکا تنها همین موارد (اندک) ذکر شده در بند 4 ضمیمه 2 برجام است. در واقع با به رسمیت شناخته شدن این موضوع توسط ایران ابزار چانه‌زنی از کشورمان برای مناقشه در مورد دامنه تحریم‌های هسته‌ای گرفته شده است. گفتنی است واژه «تحریم‌های مرتبط با هسته‌ای» واژه‌ای موهوم و مبهم است که از نیمه دوم سال 92 وارد متن توافقات شد و همواره بر سر تعریف این واژه اختلاف وجود داشته است و اکنون باب مناقشه در این مورد به سود طرف مقابل بسته شده است.
12. کل تحریم‌هایی که آمریکا در برجام متعهد شده است که اجرای‌شان را متوقف (به عبارت دیگر، تعلیق موقت) کند، تنها بخش‌های اندکی از قوانین تحریمی کنگره‌ی آمریکا را شامل می‌شود[[4]](#footnote-4) (همین مسئله راجع به دستورات اجرایی رئیس جمهور آمریکا هم صادق است که پیش از این توضیحات آن ذکر شد). یعنی با وجود این‌که از حوزه‌های اصلی تحریم در برجام به صورت کلی، نام برده شده است، اما مراجعه به لیست موارد ذکر شده در بند 4 ضمیمه 2 برجام (یعنی کل قوانین تحریمی مورد تعلیق)، نشان می‌دهد بخش‌های بسیار زیادی از قوانین تحریمی آمریکا، اصلاً در این لیست وجود ندارند. بر همین مبنا، کل امتیاز داده شده به ایران در حوزه‌ی تحریم‌های این توافق، از طرف مقامات آمریکایی به معنای حفظ کامل ساختار تحریم‌های آمریکا و تنها ارائه یک تخفیف تحریمی به ایران بیان شده است. بدین ترتیب، تنها بخش‌های اندکی از تحریم‌های آمریکا تعلیق خواهند شد. به عنوان مثال، بخشی از قوانین مهمی که در توافق وین به آن‌ها پرداخته نشده‌ (و تحریم‌های ناشی از آنها کمافی‌السابق ادامه خواهند داشت)، در زیر آمده است:
	* از کل قانون تحریمی CISADA (یکی از 5-4 قانون مهم تحریم ایران) تنها بخش 104(c)(2)(E)(ii)(I) (که هیچ ارتباطی به تحریم‌های اقتصادی کشور ندارد) جزء لیست تحریم‌های مورد بحث (تعلیق) در برجام ذکر شده و باقی بندهای این قانون (یعنی بیش از 99٪ آن) بدون هیچ تغییری (حتی تعلیق موقت) برقرار باقی خواهند ماند؛ این موضوع موجب می‌شود تحریم‌های مختلف مندرج در این قانون (مانند تحریم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز، و تحریم‌های مالی بانکی ذکر شده در آن) مانند قبل از توافق بدون هیچ تغییری ادامه داشته باشد.
	* از کل قانون تحریمی مهم NDAA 2012 فقط دو بخش 1245(d)(1) و 1245(d)(3) در لیست مورد نظر برجام ذکر شده است، که با توجه به نیامدن بخش 1245(d)(4) اثربخش بودن توقف اجرای همان دو بخش نیز زیر سؤال رفته است.
	* قانون تحریم USA PATRIOT Act که قانون مهمی در حوزه‌ی تحریم‌های مالی و بانکی است، به صورت کامل باقی می‌ماند و مطابق برجام حتی یک بند آن هم تعلیق نخواهد شد. مطابق این قانون، بانک‌ها و موسساتی که با ایران (که به عنوان مصداق منطقه‌ی اول پولشویی توسط آمریکا شناخته می‌شود) تراکنش مالی داشته باشند، تحریم می‌شوند و امکان دسترسی آنها به سیستم بانکی و مالی آمریکا سلب می‌شود ([+](http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Documents/Iran311Finding.pdf)).
	* به عنوان نمونه‌ای دیگر، بند d از بخش 1247 قانون IFCA  کاملاً پابرجا مانده و حتی تعلیق هم نشده است. مطابق این بند، آمریکا به اعمال تحریم ثانویه علیه موسسات مالی غیر آمریکایی که با ایران تراکنش نفتی داشته باشند، می‌پردازد. یعنی اگر یک بانک خارجی در تراکنشی مربوط به پول نفت ایران حضور داشته باشد، مشمول تحریم خواهد شد.
	* به عنوان نمونه‌ای دیگر، بخش 217 قانون تحریمی TRA نیز به هیچ عنوان در برجام مورد اشاره قرار نگرفته و به صورت کامل برقرار می‌باشد. بر اساس بندهای مندرج در این بخش، تمام دارایی‌ها و اموال موسسات مالی ایران (با تاکید بر بانک مرکزی ایران) مصادره و مسدود می‌شود؛ همچنین هر موسسه مالی خارجی که به آنها برای دور زدن تحریم کمک کند، تحریم خواهد شد. همچنین مطابق بخش 502 از همین قانون، به دادگاه‌های آمریکا اجازه‌ی برداشت از این دارایی‌ها و سودهای آن‌ها داده می‌شود.
13. از میان مواردی که به عنوان تحریم هسته‌ای در برجام (بند 4 ضمیمه 2)‌ ذکر شده‌اند (یعنی کل بندهای مورد اشاره از تحریم‌های آمریکا در برجام) نیز بخش‌هایی هستند که مطابق ضمیمه 5 هیچگاه (نه در روز اجرا و نه بعد از آن) تعهدی حتی مبنی بر توقف اجرای تحریم‌شان وجود ندارد. بند 4.9 (تحریم کالاها و خدمات مرتبط به هسته‌ای، تحریم اعمالی بر مشارکت‌های مربوط به استخراج معدن، تولید و حمل و نقل اورانیوم، تحریم‌های اعمالی بر منع شهروندان ایرانی از تحصیل در مقاطع عالی در رشته‌های مرتبط) به طور کامل این گونه است. از تحریم‌های بند 4.2.1 و 4.4.1 ضمیمه 2 نیز (مطابق بند 17.1 ضمیمه 5)، توقف اجرای تحریم‌های بند 211(a) قانون TRA استثنا شده است[[5]](#footnote-5).
14. مطابق متن برجام، تخفیف تحریمی ارائه شده به ایران تنها شامل تحریم‌های ثانویه ایران می‌شود و تحریم‌های اولیه ایران به طور کامل دست نخورده باقی می‌مانند. این موضوع راجع به همه تحریم‌های مرتبط با کلیه اشخاص، شرکت‌ها و نهادهای آمریکا (هر شرکتی که بیش از 50 درصد سهامداران‌ش یا تصمیم‌گیران‌ش آمریکایی باشند) صادق است.
15. دولت آمریکا نسبت به توقف تحریم‌های ایالتی (فعلی و آینده) علیه ایران هیچ تضمینی نداده است.
	* گفتنی است گردش مالی برخی ایالت‌های آمریکا در سطح گردش کشورهای بزرگ دنیاست.
	* در حال حاضر 29 ایالت آمریکا تحریم‌هایی علیه ایران دارند، و برخی ایالت‌ها مانند نیویورک و فلوریدا بعد از برجام اعلام کرده‌اند که تحریم‌های خود علیه ایران را حفظ نموده و تحریم‌های جدیدی را نیز اعمال خواهند کرد.
	* اهمیت این موضوع از آن جهت است که تحریم‌های ایالتی می‌تواند اثر برون مرزی جدی داشته باشد. به عنوان نمونه بهار 91 شرکت خودروسازی نیسان به خاطر تهدید شهردار نیویورک مبنی بر جلوگیری از تأمین تاکسی‌های این شهر در صورت ادامه همکاری با ایران، از ایران خارج شد.
16. برای مؤثر واقع شدن رفع تحریم‌های هر حوزه باید زنجیره‌ی تحریم‌های آن حوزه به طور کامل برداشته شود، اما در برجام این اتفاق نیفتاده است.
	* گفتنی است در هر حوزه ابعاد و لایه‌های مختلف آن حوزه تحت تحریم واقع شده‌اند، که همه حلقه‌های این زنجیره باید با هم رفع شوند تا شاهد گشایش در آن حوزه باشیم. برای مثال زنجیره‌ی تحریم‌های مالی شامل این موارد است: تحریم ارزی، تحریم نهادهای مالی، نظارت‌های شدید بر تراکنش‌های بانکی، ایجاد مانع در دسترسی به دارایی‌ها (بلوکه یا مسدود کردن)، تحریم شبکه‌های انتقال الکترونیک پیام‌های مالی؛ اما در برجام این زنجیره گسسته نشده است. به عنوان مثال تحریم ارزی (دلار) یا نظارت‌های شدید بر تراکنش‌های بانکی حفظ شده است، که این موضوع موجب بر طرف نشدن تحریم‌های مالی بانکی است.
	* در توافق ژنو نیز باقی ماندن همین زنجیره‌ی تحریم‌های مالی باعث شد آزادسازی ماهانه 700 میلیون دلار از دارایی‌های ایران نتواند در عمل فایده‌ای برای کشور داشته باشد (یعنی استفاده از این دارایی‌ها به واسطه این توافق آسان‌تر نگردد).
17. مطابق تأکید برجام (پاورقی 14 ضمیمه 2 متن انگلیسی، پاورقی 19 ضمیمه 2 متن ترجمه فارسی) مواردی که به عنوان رفع تحریم یک حوزه در برجام ذکر شده‌اند، مانع اعمال تحریم‌های آن حوزه بر اساس سایر قوانین تحریمی ذکر نشده در برجام (یعنی بخش اعظم تحریم‌های آمریکا) نمی‌شود.
	* گفتنی است در بسیاری از موارد، یک حلقه از زنجیره‌ی تحریم یک حوزه، در چند قانون مختلف آمریکا مورد تحریم واقع شده است، و تا بر طرف نشدن بندهای مربوط به آن در همه آن قوانین، برداشته شدن تحریم مربوطه در یک قانون نمی‌تواند در عمل تغییری در تحریم‌های آن حوزه ایجاد کند.
18. بی‌توجهی و ناتوانی برجام در توقف تلاش آمریکا برای حفظ و تداوم فضای روانی سنگین تعامل با ایران، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل بی‌اثر کردن تخفیف تحریمی
	* گفتنی است در مدت اجرای توافق ژنو که آمریکا متعهد به توقف برخی تحریم‌های خود شده بود، با بهانه‌های مختلف، اقدام به جریمه مالی طرف‌های فعالیت تجاری و اقتصادی با ایران نمود که موجب ایجاد فضای رعب و وحشت در تعامل اقتصادی با ایران شد و اثر آن تا مدت‌ها ادامه دارد. اکنون نیز در برجام راه‌های بهانه‌جویی و اعمال فشار باز گذاشته شده است، و با توجه به باقی ماندن برخی تحریم‌ها فضای ترس از جریمه‌های سنگین نقض تحریم، برای طرف‌های تجاری و اقتصادی باقی‌ست.
	* به عنوان مثال با توجه به باقی ماندن تحریم فلزات یا اقلام با کاربری دوگانه، سیستم بانکی یا حمل و نقلی که می‌خواهد در زمینه تعاملات تجاری در حوزه‌های غیر تحریمی کار کند، همچنان از اینکه متهم به تعامل با ایران در حوزه‌های تحریمی و متحمل جریمه‌های سنگین مربوطه شود (چنان که در این سال‌ها بارها و بارها چنین اتفاقی از طرف آمریکا صورت گرفته)، می‌ترسد و از تعامل با ایران اجتناب می‌کند.
	* لازم به ذکر است لغو کلی تحریم‌های کشور می‌توانست این فضای روانی را تا حد زیادی بهبود بخشد؛ اما حتی با پذیرش تداوم بخش زیادی از تحریم‌ها (چنان که در برجام صورت گرفته)، این امکان وجود داشت که با اتخاذ تدابیر و اقداماتی فضای روانی منفی موجود کاهش یابد. به عنوان نمونه، الزام طرف غربی به صدور اطلاعیه از طرف نهادهای نظارتی مالی و پول‌شویی کشورهای غربی مبنی بر عدم جریمه پس از توافق یا مشخص کردن چند بانک برای تعامل اقتصادی تجاری با ایران و تضمین دادن به آنها که در صورت چنین کاری مشمول جریمه نخواهند شد، می‌توانست از این فضای منفی بکاهد. هر چند که با توجه به ترس شدید موجود، ایده‌آل، الزام چند بانک به انجام امن تراکنش‌های مربوط به ایران بود.
19. مسدود شدن راه راستی‌آزمایی وجود «اراده سیاسی» در طرف مقابل برای تخفیف تحریم‌ها در برجام، با توجه به این‌که عدم وجود اراده سیاسی، موجب بی‌اثر شدن تخفیف تحریم‌ها روی کاغذ می‌شود.
	* گفتنی است بسیاری از تحریم‌های ایران بدون این‌که قانونی در آن زمینه وجود داشته باشد و تنها به خاطر فشار سیاسی آمریکا و طرف غربی بر کشور اعمال شده بودند و موجب عدم همکاری شرکت‌ها با ایران گردیده بودند. برای مثال شرکای عمده ایران در صنعت خودروسازی، سال‌ها قبل از تصویب قانون تحریمی مرتبط و به علت فشار سیاسی آمریکا و طرف غربی با ایران قطع همکاری کردند. در صورت عدم وجود اراده سیاسی، چنین تحریم‌هایی از جانب طرف غربی در حال حاضر (بعد از توافق) نیز ممکن است.
	* همچنین عدم وجود اراده سیاسی موجب می‌شود تحریم‌های برداشته شده، مجدداً به بهانه‌های دیگر وضع گردند، که شاهد چنین رویه‌ای در گذشته نیز بوده‌ایم. به عنوان مثال، در حالی که دادگاه اتحادیه اروپا رأی به نفع بانک‌ها و شرکت‌های کشتی‌رانی ایران داده و آنها را از شمول تحریم‌ها خارج دانسته بود، اتحادیه اروپا همان بانک‌ها و شرکت‌ها را به بهانه‌ای دیگر مجدداً مشمول تحریم کرده بود. در حال حاضر برجام نیز راه انجام چنین کاری توسط طرف مقابل را کاملاً باز گذاشته است.
	* این موضوع نشان می‌دهد تا زمانی که نسبت به وجود اداره سیاسی در طرف مقابل برای تخفیف تحریم‌ها اطمینان حاصل نکنیم، رفع تحریم‌ها روی کاغذ نمی‌تواند مشکلات تحریمی کشور را حل کند. یک راه اطمینان حاصل کردن از اراده سیاسی طرف مقابل، انجام گام به گام تعهدات دو طرف در برجام بود که متأسفانه چنین چیزی به هیچ وجه حاصل نشده و پیش از پی بردن به میزان اراده سیاسی طرف مقابل برای رفع تحریم‌ها، ایران مجبور به انجام کلیه تعهدات خود شده است.
20. از بین تحریم‌هایی که در برجام به آن‌ها پرداخته شده، به جز بخش اندکی از دستورهای اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا، مابقی موارد تحریمی آمریکا، اروپا و شورای امنیت، به هیچ عنوان لغو نمی‌شوند و با به کار بستن شگردهای مختلف، تنها تعلیق شده‌اند.
	* تعلیق تحریم‌ها (به جای لغو آن‌ها) ضمن حفظ بلاتکلیفی در فعالین اقتصادی، همواره سایه‌ی بازگشت آسان‌ تحریم‌ها را باقی نگه می‌دارد، و لذا امکان ایجاد گشایش اقتصادی مورد نظر را از کشور سلب می‌نماید. در چنین شرایطی شرکت‌ها و افراد فعال در حوزه‌های صنعتی و تجاری برای حضور در ایران با ریسک بالایی مواجه هستند. چراکه هر لحظه امکان بازگشت تحریم‌ها و مواجه شدن با جریمه‌های سنگین از سوی طرف‌های غربی وجود دارد.
	* علاوه بر آن، قراردادها در حوزه‌های مهم صنعتی و تجاری، بلندمدت و چندین‌ساله هستند و در شرایط تعلیق، اساساً امکان عقد چنین قراردادهایی وجود ندارد.
	* گفتنی است مشکلات ناشی از تعلیق تحریم‌ها در توافق ژنو نیز مانع از امضای قرارداد جدیدی در حوزه‌های مختلف از جمله کشتیرانی و خودروسازی شد.
1. گفتنی است رهبر انقلاب نیز در تیر ماه 93 در این زمینه هشدار داده بودند که: «طرف مقابل به دنبال این است که جمهوری اسلامی ایران را به 10 هزار سانتریفیوژ راضی کند»، اما اکنون در توافق نصف همان مقدار هم محقق نشده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون ساختار و وضعیت تحریم‌های کشور در حوزه‌های مختلف، و مشکلات حقوقی و موانع موجود در زمینه‌ی رفع واقعی تحریم‌ها از طریق توافق، و کسب تصویر کلان نسبت به آنچه در زمینه‌ی تحریم‌ها در برجام باید انجام می‌پذیرفت، به کتاب «گزارش ناخوانده از سرانجام یک مسیر» ([+](http://gozaresh-nakhande.ir/)) که توسط همین اندیشکده انتشار یافته است، مراجعه نمایید. [↑](#footnote-ref-2)
3. شماره بندها بر اساس متن انگلیسی برجام ذکر شده است. در متن ترجمه فارسی ضمیمه 5 برجام، همه‌ی شماره‌ها یک شماره جابجا شده‌اند. [↑](#footnote-ref-3)
4. از میان تحریم‌های کنگره آمریکا، کل بندهای تحریمی که در برجام از آنها نام برده شده و قول توقف اجراشان داده شده، عبارتند از:

ISA

 Section 5(a)(1)

 Section 5(a)(2)

 Section 5(a)(3)

 Section 5(a)(4)

 Section 5(a)(5)

 Section 5(a)(6)

 Section 5(a)(7)

 Section 5(a)(8)

CISADA

 Section 104(c)(2)(E)(ii)(I)

NDAA 2012

 Section 1245(d)(1)

 Section 1245(d)(3)

TRA

 Section 211(a)

 Section 212(a)

 Section 213(a)

 Section 220

IFCA

 Section 1244(c)(1)

 Section 1244(d)

 Section 1244(h)(2)

 Section 1245(a)(1)(A)

 Section 1245(a)(1)(B)

 Section 1245(a)(1)(C)(i)(I)

 Section 1245(a)(1)(C)(i)(II)

 Section 1245(a)(1)(C)(i)(III)

 Section 1245(a)(1)(C)(ii)(I)

 Section 1245(a)(1)(C)(ii)(II)

 Section 1245(a)(1)(C)(ii)(III)

 Section 1245(c)

 Section 1246(a)

 Section 1247(a) [↑](#footnote-ref-4)
5. البته در متن رسمی ترجمه فارسی برجام که به مجلس ارائه شده، برخلاف متن انگلیسی، در بند 4.4.1 ضمیمه 2، بند 211(a) قانون TRA ذکر نگردیده است. [↑](#footnote-ref-5)